**لزومِ تفکیکِ**

 **امر زمینی از امر آسمانی**

برای شروع بحث آیه 10 سوره ممتحنه را با هم میخوانیم :

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿10﴾**

**اي مسلمانان ! هنگامي که زنان مسلمان مهاجر بسوي شما آمدند امتحانشان کنيد .** {البته خداوند به ايمان آنها داناتر است} **پس اگر آنها را مومنه يافتيد بسوي کفار برشان نگردانيد . نه اينها براي آنها حلالند ونه آنها براي اينها . وآنچه آنها خرجشان کرده اند بهشان بدهيد و گناهي ندارد پس از اينکه اجر و مهرشان را بدهيد با آنان ازدواج کنيد . وبه دامن زنان کافر چنگ نيندازيد . بايد آنچه را که خرج کرده ايد مطالبه کنيد و آنها هم بايد آنچه خرج کرده اند مطالبه کنند . اين حکم خداست که بين شما حکم مي کند . و خداوند داناي فرزانه است (10)**

 با ذکر جمله پرانتزی «الله اعلم بایمانهنّ» تلویحا فرموده شما بروید علم مورد نیازتان را خودتان بسازید نه اینکه دنبال این باشید که نظر خداوند در مورد یکی یکیِ هر کدام از خانم های مهاجر چیست .

برای درک بهتر موضوعِ اخیر ، آن قسمت از آیه را مجددا می بینیم :

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ** اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ **فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ**

جمله الله اعلم بایمانهنّ «پرانتزی» است ، دلیلش هم این است که اگر قبل و بعدش را به هم وصل کنیم روال سخن صاف و یکدست شده و لذا خط اصلی سخن همان است که با حروف پر رنگ دیده میشود .

چرا جمله - به قول ما - پرانتزیِ مذکور را در اینجا فرموده ؟

چنین به نظر می آید که علتش این باشد که قضاوت در باره ایمان یا عدم ایمان مردم برای مسلمانانِ آن روزهایِ صدر اسلام مشکل بوده ، و آنها فکر میکرده اند ایمان یک امر قلبی است و فقط خداوند است که میتواند به ایمان هرکس علم داشته باشد ، ولذا اگر تشخیص آنها با تشخیص خداوند مغایر باشد در آخرت چه جوابی خواهند داشت؟

برای راحت کردن خیال آنها این جمله در متن حکم قرار داده شده و تلویحا به آنها فهمانده شده که نگران مطلب مذکور نباشند و کار خویش را کنند .

یعنی در هر موردی نزد رسول خدا (ص) نروند و نگویند «یا رسول الله ایمان فلان زن مهاجر مورد تایید خداوند هست یا نه؟»

 آیه فرموده «فان علتموهن مومنات» (اگر آنها را مومنه تشخیص دادید) ، . .

یعنی اینکه تکلیف آنها بطور واضح روشن شده بوده بود که می باید ایمان آنان را احراز کنند .

آنها چگونه باید به این تشخیص میرسیدند؟

معقول و واضح است که از کسانی که دربین مهاجران بوده و قاعدتا آنها را می شناختند ( و جمعیت مهاجران هم کوچک بود) راجع به صداقتشان و سابقه ایمانیشان و بستگی احتمالی شان با سران کفار پرس و جوئی مقدماتی میکردند و زود به تشخیص میرسیدند و تازه اگر هم تشخیص شان غلط میبود اتفاق مهمی نمی افتاد زیرا فقط می باید او را به خانواده اش بر می گرداندند و اگر او مومن واقعی هم نبود چیز مهمی نبود زیرا بعنوان یک تازه وارد بطور طبیعی مدتها زیر نظر بود و اگر خلاف تشخیص شان ظاهر میشد میتوانستند اخراجش کنند .

کم کم موضوع مهاجرت ابعاد بزرگتری به خود گرفت و موضوعِ این حکم جدی تر شد و ما دقیقا نمیدانیم در مورد اجرای این حکمِ چه اتفاقی افتاد اما معقول است که فکر کنیم تدریجا برای این موضوع ضوابطی برقرار شد و کسی هم مسئول این قضیه گشت.

**اما ، آین آیه ، ارزش فکریی بیش از آن حکم خاص دارد ، و خطی بین موضوعاتی که ما آنها را «زمینی» و «آسمانی» می نامیم کشیده و صراحتا فرموده برای امور زمینی چشمتان را به آسمان ندوزید و خودتان مشکلات زمینی تان را حل کنید .**

این موضوع ، یعنی موضوعِ جدا کردن مسائل زمینی از آسمانی ، برای مسلمانان صدر اسلام آشنا و جا افتاده بوده ، مثلا در جنگ احد نظر رسول خدا (ص) این بود که در مقابل مهاجمین قریش آرایش دفاعی بگیرند، و مدافعین در داخل مدینه باشند و مهاجمان را به داخل شهر بکشانند ، و به این ترتیب نیروی آنها را در داخل کوچه های مدینه تقسیم کنند ، و در این حالت حتی زنان و پیر مردان هم میتوانستند از بام های خانه ها بر سر مهاجمان سنگ و آتش و چیزهای دیگر بیاندازند و عرصه را بر آنها تنگ کرده و مجبور به فرار کنند .

اما ، این تاکتیک دفاعی بر جوانان ناگوار آمد و آنها از رسول خدا (ص) پرسیدند آیا نظرش از وحی است یا از خود اوست و وقتیکه آن حضرت فرمود نظرش از وحی نیست آنها مخالفت کردند و آنحضرت نیز نظر آنها را – که اکثریت داشتند - پذیرفت و قرار شد جبهه دفاع در بیرون مدینه و در صحرای احد باشد .

همین موضوع نیز – که مورد قبول قاطبه مورخین و محدثین است – نشان میدهد که در صدر اسلام و در زمان حیات رسول الله (ص) موضوع تفکیک امر زمینی و امر آسمانی کاملا برای مسلمانان واضح و جا افتاده بود و رعایتش میکردند .

اما قوی ترین دلیل بر این مطلب محتویات خود قرآن کریم است ، که به وضوح خالی از موضوعات زمینی است .

**مهم ترین امر زمینیِ بشر امور معیشتی – یعنی اقتصاد – است**

راجع به اقتصاد **– که فراگیر ترین امر از امور زندگی است –** در قرآن چه داریم؟

البته ، بعضی ها ، برخی از جملات قرآنی را به عنوان «آیات اقتصادی» قلمداد میکنند اما دقت در موارد ِ مورد نظر آنها بر بطلان نظرشان و «اخلاقی» بودن جملات مورد اشتشهاد آنان – و نه اقتصادی بودن آنها – دلالت دارد .

ذیلا آیات مورد استشهاد آنان را ذکر میکنیم :

 **«کلوا واشربوا و لا تسرفوا»**

آیه مربوط این است :

**يَا بَنِي آدَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿31﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّهِ الَّتِيَ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالْطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِي لِلَّذِينَ آمَنُواْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿32﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُواْ بِاللّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿33﴾ (سوره اعراف)**

  **اي فرزندان آدم! زينت خويش را نزد هر مسجدي برگيريد و بخوريد و بياشاميد و اسراف نکيند که او اهل اسراف را دوست نميدارد (31) بگو چه کسي زينت خداوندي و روزي هاي پاکيزه را که براي بندگانش بيرون آورده، تحريم کرده؟ بگو اين مواهب در روز قيامت فقط براي کسانيست که در اين زندگي ايمان آورده اند. اين چنين آيات را براي صاحبان علم بيان مي کنيم (32) بگو جز اين نيست که پروردگارم کارهاي زشت را، چه پنهان باشد و چه آشکار، و گناه، و تجاوز ناحق، و اينكه براي خداوند چيزي را كه دليلي براي آن نازل نكرده شريك بگيريد، حرام کرده و نيز اينکه درباره خداوند چيزي بگوئيد که علم نداريد (33)**

قضاوتِ اینکه جمله «کلوا و اشربوا و لاتسرفوا» بار «اخلاقی» دارد یا «اقتصادی» را به خواننده ارجمند می سپاریم.

**آیه کنز**

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلاَ يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿34﴾ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لأَنفُسِكُمْ فَذُوقُواْ مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿35﴾**

**اي مسلمانان ! بسياري از روحانيون** (يهودي) **و رهبانان** (مسيحي) **اموال مردم را به باطل ميخورند و از راه خدا باز ميدارند ، و کساني را که طلا و نقره جمع نموده و در راه خدا خرج نمي کنند به عذابي دردناک مژده شان ده (34) روزي که آنها را در آتش جهنم سرخ نموده و با آن پيشاني هايشان و پهلوهايشان و پشتهايشان را داغ بنهند که اين چيزيست که براي خود جمع کرده بوديد اكنون بچشيد آنچه را که انباشته بوديد (35)**

باز هم قضاوت را به خوانندگان ارجمند وا می گذاریم که ببیند آیه 34 سوره توبه که فوقا ذکر شده ، «اقتصادی» است یا «اخلاقی» ؟

**آیه شدید اللحن حرمت ربا**

**الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لاَ يَقُومُونَ إِلاَّ كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُواْ إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَىَ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿275﴾ يَمْحَقُ اللّهُ الْرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللّهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿276﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ وَآتَوُاْ الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿277﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَذَرُواْ مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿278﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُواْ فَأْذَنُواْ بِحَرْبٍ مِّنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لاَ تَظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ ﴿279﴾ وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿280﴾ وَاتَّقُواْ يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿281﴾**

**آنانکه ربا ميخورند جز مانند کسيکه در اثر تماس شيطان دچار خبط و انحراف از مسير طبيعي شده باشد بر نمي خيزند . اين به آن سبب است که ميگويند خريد و فروش مانند ربا است در حاليکه خداوند خريد و فروش را حلال و ربا را حرام کرده است . پس اگر کسي موعظه اي از جانب پروردگارش بسويش آمد و دست کشيد ، آنچه که گذشته مال او باشد و کارش با خداست و کسي که** (به آن عمل) **باز گردد از ياران آتش است که در آن جاودانند (275) خداوند ربا را نابود و صدقات را زياد مي کند و خداوند هيچ کفرانگر گناهکاري را دوست نميدارد (276) البته آنانکه ايمان آورده و کارهاي شايسته کرده و نماز بپاداشته و زکات داده اند پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسي داشته و نه اندوهگين باشند (277) اي مسلمانان ! از خداوند پروا داشته و بقيه ربا را ول کنيد اگر ايمان داريد (278) و اگر اين کار را نکرديد پس اعلام جنگ با خدا و رسولش کنيد و اگر توبه کرديد سرمايه هاتان مال خودتان باشد نه ظلم کنيد و نه ظلم بينيد (279) و اگر** (بدهکار) **گرفتار باشد مهلتي دهيد تا گشايش يابد و اگر تصدق کنيد برايتان بهتر است اگر بدانيد (280) و پروا کنيد از روزي که در آن بسوي خداوند برميگرديد و آنگاه به هر کس آنچه که کسب کرده بطور کامل داده ميشود و هيچ ظلمي نميشوند (281)**

بازهم قضاوت در باره «اقتصادی» بودن یا «اخلاقی» بودن آیات فوق از سوره بقره را به خواننده گرامی می سپاریم .

 **بقیه هم همچنین**

آیاتی که فوقا ملاحظه نمودید از قوی ترین استشهادات کسانی است که آنها را دارای بارِ اقتصادی عنوان میکنند ، در حالی که بارِ آیات مذکور اخلاقی است و نه اقتصادی و شما به وضوح این را تشخیص میدهید .

**این از اقتصاد ، آیا در باره شهر نشینی و روستا نشینی یا تعداد بچه یا طرز تعلیم و تربیت بچه یا تاسیس و یا چگونگی تاسیسِ نیروگاه های برق یا انرژی خورشیدی یا هسته ای یا . . . سخنی در قرآن هست؟**

**نه !**

**راجع به حکومت و نیز سایر شئون «زندگی» هم همینطور است و سخن مرحوم مدرس یکی از پرخطا ترین سخنها است .**

**پیامبر (ص) آمد و رفت و قرآن را برایمان گذاشت ، اوصیاء پیامبر هم آمدند و رفتند و قرن هائی هم گذشت ، اینک ما سرمایه ای از وحی داریم و سرمایه ای از انسان های فرهیخته . در معضلات خیلی عمومی رفراندوم میتواند ما را از بن بست ها در بیاورد ، در امور معمولی هم «امرهم شوری بینهم»**